

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



iran.sabz88@yahoo.com

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهار دوست

نگاه سبز

روزنامه سبز

زنجیر سبز جهانی

شماره هفتم، چهاردهم تیرماه، هزار و سیصد و هشتاد و هشت

سرخ؛ سرخ خرداها

میترا

برای کشتار مردم بی‌گناه در سیم

خرداد

سرخ؛

ای سرخ خشمگین،

ای سرخ نعره‌ها

ای طفیان زندگی،

جان مایه‌ی حیات،

شعله زار فراسوی ترس‌ها

موج برداشتی به خیابان؛

از رگ‌های مردمان جوانه زدی،

تنومند شدی؛

بالبیدی از خاک خونین خرداها

دست‌های نیرنگ رنگ باخته‌اند و

عرشست فراخ شده ای سرخ آتشین،

روزی که خلق شدی در نام نداها

نهم تیر ماه 1388

مقاله مرجان ساتراپی در نیویورک

تایمز

باید به خانه ام ایران بازگردم

پاریس- شش سال پیش در یکی از کافه

های پاریس پای صحبت مردی نشستم

که از او نام نمی برم. او گفت که بیست

و چهار سال است که به ایران نرفته و

ایران را درست بعد از انقلاب سال

1979، ترک کرده است.

او در باره خیلی چیزها صحبت کرد و

صحبت هایش را چنین خاتمه داد:»

وقتی کشورت را ترک کردی دیگر

فرقی نمی کند کجا زندگی کنی، اما

من نمی خواهم در جایی بجز ایران

بمیرم وگرنه زندگی ام معنایی نداشته

است».....

متن کامل در ضمیمه - مقالات

اختصاصی خبرگزاری سبز ایران

حجاریان د رکما؟

سحر خیز زیر شکنجه

امین زاده بستری

عیسی سحر خیز پیش از دستگیری: اگر هر اعترافی در زندان کنم بر

اثر شکنجه است

از صبح امروز - یکشنبه ۱۴ تیر خبرهای متناقصی در باره سعید حجاریان منتشر شد. اولین خبرها حاکی بود او به کما رفته است. اخبار بعدی حکایت از وضع بسیار مناسب او داشت.

سعید حجاریان که به تنهایی قادر به حرکت نیست، در اولین روزهای کودتای ۲۲ خرداد در خانه مسکونیش دستگیر شد. او که بیشتر توسط کودتاگران ترور شده و به نحو معجزه آسانی نجات پیدا کرده بود، زیر ضربات مشت و لگد به بند ۲۰۹ اوین منتقل شد.

ساعتی بعد خبر دستگیری سعیدعسگر ضارب او داده شد. اخبار حکایت داشت که سعیدعسگر را با سعید حجاریان در یک سلول قرارداد ه اند.

همسر سعید حجاریان که یک هفته بعد با او ملاقات کرد، در گفت و گو با "روز" از وضعیت نامناسب او سخن گفت. مامورین امنیتی جمهوری اسلامی از جانب او این مطلب را تکذیب کردند.

روز بعد دکتر تقی اسدی از پزشکان معالج سعید حجاریان اعلام کردجان او در خطر است. دکتر اسدی گفت: "با تماسی که با همسر پزشک ایشان داشتم، گزارشی از وضع روحی بسیار بد و کاهش واضحی در قدرت جسمی ایشان به اطلاع اینجانب رسید. سیستمهای خارج از دستگاه عصبی ایشان احتیاج به ملاقات فوری پزشک داخلی دارد.

بعلت محرمانه بودن اطلاعات پزشکی اینجانب از اعضاء جزئیات پزشکی پرونده ایشان معذورم، ولی می توانم ادعان کنم که بازداشت ایشان می تواند منجر به خطر جانی غیرقابل جبران شود.

با در نظر گرفتن جنبه های انسانی، از همه کسانی که قادر به کمک به ایشان می باشند اکیدا درخواست می شود که در آزاد سازی و یا انتقال ایشان به محل مناسبی - منزل - که بتواند درمانهای روزانه اش را از گرفته و از زیر فشار روانی حیس انفرادی در آید، کوشش نمایند. بار دیگر تأکید می کنم جان بیمار من

ما و سید علی آقا

علی رضا نوری زاده

نه رفیق، برادر، هموطن، هم قلم، نه دیگر نباید در پرده سخن بگوئی. دیگر استفاده از تمثیل ممنوع است. عزیز شاعر! گذشت آن زمانی که از شب و جنگل و گلسترخ، برای ترسیم استبداد و شاره به چریک با D8ی و ذکر جمیل یار به خون خفته خسرو استفاده می‌کردی. حالا دیگر با جوانانی که با گلوله عساکر سید علی آقای پائین خیابانی در خون نشستند، با تصویر ندا بر کف خیابان و آن نگاه تانیه‌ای که حتی قلب باراک حسین اوباما را لرزاند، اگر نام جناب معاویه بن جوادالحسینی را به صراحت ذکر نکنی، یک نام خواهی داشت، ترسو اگر نگویم سازشکار...

شرم‌آور خواهد بود وقتی در چهارسوی وطنت روز و شب شعار C 8 را که من آن هفته نوشتم و برای ساکنان خانه پدری فرستادم و یگنبد به شعر ملی شد، بر زبان می‌آورند که «رهبر ما قاتله / ولایتش باطله»، به نعل و به

متن کامل در ضمیمه - مقالات

در خطر است."

در آخرین ساعات دیشب تأیید شد که سعید مرتضوی با انتقال جاریان به خانه ای با امکانات پزشکی هنوز موافقت نکرده است. پزشکان بار دیگر اعلام کردند: "

اگر او به محل مناسبی مانند خانه انتقال نیابد، هرآن در معرض حادثه ناگواری است."

عیسی سحر خیز زیر شکنجه

عیسی سحر خیز روزنامه نویسی و فعال اجتماعی غروب شنبه در خانه اش دستگیر و بلافاصله به زیر شکنجه برده شد. مهدی سحرخیز پسر عیسی سحرخیز این خبر در دو سایت فیس بوک و تویتر اعلام کرد. اخبار بعدی حاکی است که عیسی سحر خیز زیر باران مشت و لگد و در حالیکه دشنام های بسیار رکبیک به او داده می شد، به زندان اوین منتقل شد. عیسی سحرخیز پیش از دستگیری گفته بود اگر هر اعترافی در زندان کنم بر اثر شکنجه است. محسن امین زاده که همراه بامصطفی تاج زاده زیر شکنجه شدید قرار دارد، بر اثر فشارهای وارده بیهوش شد. جسد غرقه در خون او در حال انتقال به بیمارستان رسول اله دیده شده است. این بیمارستان کاملاً در اختیار نیروهای امنیتی است و ورود و خروج از آن بشدت کنترل می شود.

مهدی کروبی: مبارزه ادامه دارد

مردم مصمم به تغییر هستند

مهدی کروبی، بار دیگر تأکید کرد که دولت برآمده از انتخابات ۲۲ خرداد فاقد «مشروعیت» است. از کسانی که به نتایج انتخابات معترض هستند، خواست که تا گرفتن مطالبات خود، به «مبارزه» ادامه دهند. به گزارش سایت سحام نیوز، سایت خبری ستاد مهدی کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی همچنین با اشاره به رویدادهای پس از انتخابات بر ضرورت ارتباط با «نیروهای حزبی و غیرحزبی» تأکید کرد و گفت: «ما باید سختی‌ها را تحمل کنیم و البته به کار تشکیلاتی و حزبی خودمان بپردازیم و انسجام کار حزبی خود را افزایش دهیم.»

مهدی کروبی همچنین گفت: «ماجرایی که در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری روی داده است آنچنان روشن و آشکار است که همه نسبت به آن آگاه هستند؛ حتی اگر شما به شهر و یا روستایی بروید ساکنان آنجا داستان‌های بسیاری درباره این انتخابات دارند که برای شما نقل کنند بنابراین دفاع کردن از آنچه روی داده است جز اینکه اعتبار گوینده را زیر سوال ببرد نفع دیگری ندارد.»

وی در ادامه به طور خاص از احمد جنتی دبیر شورای نگهبان یاد کرد و گفت: «من هم قبول دارم که این انتخابات بی نظیرترین انتخاباتی بوده که برگزار شده است ولی درباره پاک بودن ان ابهاماتی وجود دارد که هنوز بدان پاسخی داده نشده است.»

احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان که از سوی اصلاح‌طلبان به جانبداری از محمود احمدی‌نژاد متهم است در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته انتخابات ریاست جمهوری را یک «انتخابات سالم» خوانده که به گفته وی «هیچ اشکالی نداشت». احمد جنتی همچنین معترضان به نتایج آن را نیز عده‌ای «آشوبگر» دانسته بود که به دنبال «انقلاب مخملی» بوده‌اند.....

متن کامل در ضمیمه

ناصر اطمینان

سقف حوصله

کوتاه بود فاصله از تماشا تا به شوق از دردی تا به خون و از باور تا به نا باوری کوتاه بود فاصله شاید هم قد زندگی از لحظه ی نشاط تا به حس درد واز پس اش سوزشی از فریاد بغض خشکیده در گلو تا به اشکی زلال از پس سکوت کوتاه بود فاصله، و با شتاب گذشت از سقف حوصله.

جولای 2009 - سیدنی استرالیا

در خواست جمعی از نویسندگان ایران رعایت حقوق قانونی ملت ایران

ما نویسندگان ایران که طی سال‌های گذشته آسیب‌های فقدان آزادی اندیشه و بیان و قلم را تحمل کرده‌ایم، اعمال خشونت علیه مردم را که خواستار تامین حقوق مدنی و قانونی خود هستیم، تقبیح می‌کنیم و معتقد هستیم پاسخ مردمی که به صورتی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه خواهان باز یافت حقوق خود هستند، حبس و اعمال خشونت نیست. از طرف دیگر با توجه به فرهنگ غنی مردم ایران، دستگیری‌های گسترده و روزافزون روشنفکران، هنرمندان و اهل اندیشه و قلم همراه با سانسور همه‌جانبه ارتباطات و اخبار بر ابهام موقعیت می‌افزاید و این برای همگان نگران‌کننده است. ما ضمن همدلی با همه خانواده‌های کشته‌شدگان، دستگیرشدگان و آسیب‌دیدگان رویدادهای اخیر، از مجامع مسوول داخلی و حقوق بشری خواستار رسیدگی در جهت توقف خشونت، ایجاد آرامش و توجه به حقوق مدنی و قانونی ملت ایران هستیم.

بابک احمدی، پگاه احمدی، مسعود احمدی، حسن اصغری، میترا الیاتی، ناتاشا امیری، هوشیار انصاری‌فر، علی باباجاهی، پرویز بابایی، سهیلا بسکی، سیمین بهبهانی، علی بهبهانی، شهلا پروین‌روح، احمد پوری، علی‌پور صفر کامران، صفدر تقی‌زاده، علی ثباتی، علیرضا جباری، کامران جمالی، شاپور جورکش، افشین جهان‌نیده، رضا چاچی، امیرحسین چهلتن، عاطفه چهارمحالیان، رضی خدادادی هیرمندی، مهین خدیوی، ابوتراب خسروی، محمد خلیلی، کامیار خلیلی، علی اشرف‌درویشیان، محمود دولت‌آبادی، سهراب رحیمی، بدالله رویایی، فرشته مساری، محمدعلی سپانلو، محمدعلی سجادی، نیکو سرخوش، عنایت سمیعی، حسین سنابور، محمد شمس‌لنگرودی، فرزانه شهفر، سیدعلی صالحی، حسن صناعی، عباس صفاری، فرزانه طاهری، محمدرضا طاهریان، زاهد عابد، مهدی غبرایی، احمد غلامی، پوران فرخزاد، مراد فرهادپور، محمد قائد، آریتا قهرمان، ناهید کبیری، نصرالله کسرانیان، محمد کشاورز، سعدی گلپایانی، جواد مجابی، محمد محمدعلی، عباس مخبر، حسین مرتضاییان آبکنار، علی مسعودینیا، محمود معتقدی، اکبر معصومی‌بگی، داریوش معمار، شهاب مقربین، ضیاء موحد، نسترن موسوی، حافظ موسوی، علیشاه مولوی، جمال میرصادقی، مهراں مهاجر، داریوش بهبودی، حمیدرضا نجفی، غلامحسین نصیری‌پور، فواد نظیری، مهشید نونهالی، جهانگیر هدایت، مهدی یزدانی‌خرم بکتاش آبتین، هاشم بناپور و...

محا کمه دستگیر شدگان، تهدید خاتمی و موسوی

دستگیرشدگان کودتای ۲۲ خرداد محاکمه خواهند شد. محمدخاتمی و میر حسین موسوی هم بشدت تهدید شدند. ۱۰۰ " نماینده" مجلس که همگی عضو فراکسیون سپاه مجلس هستند، خواستار برخورد قاطع قوه قضائیه با " اغتشاشگران" شدند. و حسین شریعتمداری نماینده خلیفه خامنه ای در روزنامه کیهان ضمن تهدید آشکار خاتمی و موسوی، نوشت: " باید چشم فتنه را کور کرد."

متن کامل در ضمیمه

ضمیمه شماره ۷ روزنامه سبز خبر و گزارش

مهدی کروبی: مبارزه ادامه دارد

مردم مصمم به تغییر هستند

مهدی کروبی، بار دیگر تاکید کرد که دولت برآمده از انتخابات ۲۲ خرداد فاقد «مشروعیت» است. از کسانی که به نتایج انتخابات معترض هستند، خواست که تا گرفتن مطالبات خود، به «مبارزه» ادامه دهند. به گزارش سایت سهام نیوز، سایت خبری ستاد مهدی کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی همچنین با اشاره به رویدادهای پس از انتخابات بر ضرورت ارتباط با «نیروهای حزبی و غیرحزبی» تاکید کرد و گفت: «ما باید سختی‌ها را تحمل کنیم و البته به کار تشکیلاتی و حزبی خودمان بپردازیم و انسجام کار حزبی خود را افزایش دهیم. ماجرای که در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری روی داده است آنچنان روشن و آشکار است که همه نسبت به آن آگاه هستند؛ حتی اگر شما به شهر و یا روستایی بروید ساکنان آنجا داستان‌های بسیاری درباره این انتخابات دارند که برای شما نقل کنند بنابراین دفاع کردن از آنچه روی داده است جز اینکه اعتبار گوینده را زیر سوال ببرد دیگری ندارد.»

شاید به گفته آقایان پرونده این انتخابات بسته شده باشد ولی تبعات آن هنوز نمایان نشده است. این دولت در آینده مشکلات فراوانی را با جامعه، دانشگاهیان، نخبگان و روشنفکران خواهد داشت. زیرا دولتی که بدون رای مردم سکان اداره کشور را بر عهده بگیرد مشروعیت ندارد و البته روز به روز این واقعیت آشکارتر می‌شود. انتخابات ریاست جمهوری اخیر و رویدادهای پس از آن بیانگر این است که مردم «مصمم» هستند تا در «شرایط موجود» کشور «تغییر» ایجاد کنند.

مهدی کروبی موضع‌گیری‌های جناح حاکم درباره کشته شدن و ضرب و شتم مردم در اعتراض‌های اخیر را «متناقض» دانست و با اشاره به درخواست محمود احمدی‌نژاد برای پیگیری قتل ندا صالحی آقا سلطان گفت: «نامه احمدی‌نژاد در خصوص رسیدگی به پرونده قتل ندا آقا سلطان در حالی برای رئیس قوه قضائیه ارسال می‌شود که در این جریان به قول احمدی مقدم ۲۰ نفر دیگر نیز به قتل رسیده‌اند. همان افرادی که ۱۹ نفر دیگر از شهروندان را به قتل رساندند، ندا آقا سلطان را نیز به قتل رسانده‌اند. همان‌هایی این قتل‌ها را فاجع انجام داده‌اند که با توم، اسلحه و با خشونت به خوابگاه‌ها، مجتمع‌های مسکونی، حریم خانواده‌ها، جمع مردم اعم از زن و مرد حمله کردند.

در آن زمان هنگامی که تظاهراتی برگزار می‌شد شاه مردم را متهم می‌کرد که به خاطر ۲۵ قرانی به خیابان‌ها آمده‌اند ولی دیگر نمی‌توان با چنین روشی مردم معترض به شرایط موجود را متهم کرد، اکنون دیگر تاریخ مصرف چنین گفتمان‌هایی گذشته است و ربط دادن عناوینی همچون اراذل و اوباش، خس و خاشاک و ارتباط با بیگانگان به مردم سخنانی سنجیده نیست

اکنون باید به مبارزه ادامه دهیم هر چند که ممکن است شرایط سختی را پیش رو داشته باشیم. نباید شکست موجب ناامیدی در ما شود البته ما به مبارزه در خفقان و شرایط سخت عادت داریم و این شما جوانان هستید که باید خودتان را برای فعالیت در شرایط سخت آماده کنید.

محا کمه دستگیر شدگان، تهدید خاتمی و موسوی

شهرام رفیع زاده

نماینده آیت الله خامنه‌ای در روزنامه کیهان روز شنبه در سرمقاله‌ای با عنوان «حزب یا ستون پنجم»، خواستار محاکمه میرحسین موسوی و محمد خاتمی به اتهام «قتل»، «همکاری با بیگانگان» و «ستون پنجمی آمریکا» شد.

اتهامات سرمقاله کیهان به خاتمی و موسوی پس از آن صورت گرفت که این دو چهره اصلاح طلب تائید انتخابات از سوی شورای نگهبان را مورد اعتراض قرار دادند و از آن با عنوان کودتای مخملی علیه مردم نام بردند.

شریعتمداری، که بسیاری از بازداشت شدگان در سال‌های اخیر از وی به عنوان یکی از همکاران بازجویان خود می‌برند، در سرمقاله شنبه 13 تیر کیهان، همچنین موسوی را «مجری ماموریت دیکته شده بیرونی» معرفی کرده، و وی را به «همکاری آشکار با بیگانگان و ایفای نقش ستون پنجم برای آمریکا» متهم نمود.

نماینده رهبر حکومت اسلامی در کیهان همچنین بیانیه اخیر میرحسین موسوی در مورد تشکیل یک حزب مخالف در داخل ایران را «آتش زیر خاکستر» توصیف و ادعا کرد: «حزبی که آقای موسوی در بیانیه اخیر خود از تلاش برای تاسیس آن خبر داده است نمی‌تواند قانونی باشد زیرا اعضای اصلی آن نظیر میرحسین موسوی و محمد خاتمی به ارتکاب جرایمی که در بند پیشین مورد اشاره قرار گرفت متهم هستند.»

شریعتمداری در عین حال با اشاره به اینکه بعید نیست موسوی و اطرافیانش چنین حزبی را بدون اجازه تاسیس کنند مدعی شد که «در این صورت نام واقعی آن ستون پنجم دشمن خواهد بود،

ترجمان دیگری از آتش زیر خاکستر فتنه". وی پیشاپیش خواستار برخورد امنیتی و قضایی با آن ها شده و تاکید کرد که باید "چشم فتنه را کور کرد."

درخواست محاکمه میرحسین موسوی و محمد خاتمی از سوی نماینده رهبر در کیهان همزمان با وارد آوردن اتهام محاربه به اصلاح طلبان و معترضان به کودتای انتخاباتی بازداشت شده در 3 هفته اخیر از سوی برخی از نزدیکان احمدی نژاد صورت می گیرد.

مهدی کوچک زاده از حامیان احمدی نژاد در مجلس در این خصوص گفته است: "قوه قضائیه با در نظر گرفتن احکام شرعی و بدون هیچ گونه دلسوزی به وظایف خود عمل کند و به نظر می رسد برخی افراد دستگیر شده در اغتشاشات اخیر، حکم محاربه و مفسد فی الارض را دارند."

وی شماری از اصلاح طلبان را که پیش از وقوع اعتراضات و راهپیمایی های اخیر بازداشت شدند را به خط دهی اعتراضات مردم متهم کرد و گفت "عمل حساب شده در دستگیری نیروهای افراطی داخلی که خط دهی و طراحی کار را بر عهده داشتند، باعث جمع شدن ماجرا و حل و فصل آن شد."

اتهام اقدام علیه امنیت ملی به بازداشت شدگان

همزمان وکیل مدافع برخی از بازداشت شدگان روز شنبه اعلام کرد که موکلانشان به "اقدام علیه امنیت ملی" متهم شده اند. صالح نیکبخت در این مورد به خبرنگاری فرانسه خبر داد که "برخی از موکلانش از جمله مازیار بهاری خبرنگار بازداشت شده نیوزویک متهم به اقدام علیه امنیت ملی شده اند." وی افزود: "من هنوز نتوانسته ام علی رغم درخواست های متعدد از دفتر دادستان، با وی ملاقات داشته باشم." به گفته وی از میان موکلانش مازیار بهاری، خبرنگار نیوزویک، و تعدادی از رهبران اصلاح طلب که در بازداشت به سر می برند، قرار است در دادگاه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی محاکمه شوند. محمدعلی ابطی، معاون رئیس جمهوری سابق ایران، بهزاد نبوی، نایب رئیس مجلس ششم، محسن صفایی فراهانی رئیس سابق فدراسیون فوتبال و نماینده مجلس در دوره ششم، محسن امین زاده، معاون سابق وزارت امور خارجه، عبدالله رمضان زاده، سخنگوی دولت محمد خاتمی و مازیار بهاری خبرنگار هفته نامه نیوزویک از جمله موکلان زندانی این وکیل هستند.

عبدالصمد خر مشاهی که وکالت یکی از کارمندان بازداشت شده ایرانی سفارت بریتانیا در تهران را بر عهده دارد نیز روز شنبه اعلام کرد که موکلش به "اقدام علیه امنیت ملی" متهم شده است.

از سوی دیگر محمد خاتمی، مهدی کروبی و هاشمی رفسنجانی طی دو روز اخیر با خانواده شماری از بازداشت شدگان دیدار کردند.

محمد خاتمی در این دیدار با اشاره به "وقوع کودتای مخملی علیه مردم" گفت "امکانات مخابراتی، اینترنت و مطبوعات را به شدت محدود کرده اند و در فضایی کاملا بسته و امنیتی که هر روز دهها نفر در کمال بی خبری دستگیر می شوند رسانه به اصطلاح ملی بارها و بارها صحنه های خاصی را نشان می دهد."

وی تاکید کرد: "من با تمام احترام و علاقه ای که به آیت الله شاهرودی دارم به صراحت می گویم آنچه امروز شاهد آن هستیم خلاف بند بند بخشنامه ای است که خود شما تحت عنوان حقوق شهروندی صادر کردید و مجلس ششم آن را به عنوان قانون تصویب کرد. وظیفه قانونی و شرعی شما بود که به عنوان رئیس قوه قضائیه از ابتدای بروز این حوادث با جدیت اعمال مسؤلیت می کردید و در مورد نحوه بازداشت ها، اختیار وکیل، شرایط زندانیان و بازجویی ها قانون شکنان خوشونت گرا را موظف به رعایت قانون و شرع می فرمودید. اگرچه تشکیل هیاتی برای رسیدگی به این موضوع پس از یک هفته جای امیدواری است ولی اعمال مسؤلیت شما یعنی آزادی این جمع کثیر، رسیدگی به تمام افتراهایی که به شخصیت ها و سرمایه های نظام زده شده، توهین هایی که به مردم شده."

در واکنشی دیگر، مهدی کروبی روز شنبه به دیدار برخی از خانواده های بازداشت شدگان اخیر رفت و خواستار آزادی فوری آنها شد. وی در دیدار با خانواده محمدعلی ابطی تصریح کرد: "تمام تلاش ما این است که زندانیان قربانی این ماجراها نشوند و البته سرنوشت زندانیان بستگی به اقدامات ما دارد. اگر قضیه را رها کنیم نه تنها عرصه بر زندانیان که بر آنهایی که زندان هم نیستند تنگتر خواهد شد. من هرکاری را که بتوانم برای آزادی ایشان انجام خواهم داد و امیدوارم مسولان هم مساعدت لازم را برای آزادی زندانیان انجام دهند."

هاشمی رفسنجانی نیز روز گذشته در دیدار با خانواده های بازداشت شدگان از بازداشت ها و حوادث پس از انتخابات به عنوان "پایان تلخ انتخابات" یاد کرد و گفت که "فکر نمی کنم هیچ

وجدان بیداری از وضع به وجود آمده راضی باشد." وی همچنین اظهار داشت: "امیدوارم با درایت و حسن مدیریت مسائل، در روزهای آینده شاهد بهتر شدن اوضاع، حل مشکلات و کاهش آلام خانواده های چشم انتظار باشیم."

مقام های قضایی تاکنون حاضر نشده اند در مورد برخوردهای اخیر که بنابر گزارش های منتشر شده منجر به بازداشت بیش از 2 هزار نفر شده توضیحی ارائه کنند. بازداشت شدگان علاوه بر عدم دسترسی، در سلول های انفرادی بند 209 زندان اوین و سایر بازداشتگاه های تهران و شهرستان ها نگهداری می شوند و ارتباط آن ها با دنیای خارج به کلی قطع شده است.

باید به خانه ام ایران بازگردم

مرجان ساتراپی - نیو یورک تایمز

پاریس- شش سال پیش در یکی از کافه های پاریس پای صحبت مردی نشستم که از او نام نمی برم. او گفت که بیست و چهار سال است که به ایران نرفته و ایران را درست بعد از انقلاب سال 1979، ترک کرده است.

او در باره خیلی چیزها صحبت کرد و صحبت هایش را چنین خاتمه داد: «وقتی کشورت را ترک کردی دیگر فرقی نمی کند کجا زندگی کنی، اما من نمی خواهم در جایی بجز ایران بمیرم وگرنه زندگی ام معنایی نداشته است». صحبت های او اثر عمیقی روی من گذاشت. درباره حرف هایش فکر کردم نه به این دلیل که مفهوم روشنفکرانه آن را در بیابم اما دلم می خواست معنای حرفش را با همه قلبم احساس کنم. من هم به این نتیجه رسیده ام که فقط باید در کشور خودم، ایران، بمیرم وگرنه زندگی ام بیهوده بوده است».

زمانی که پای سخن آن مرد نشستم، چهار سال بود که به خانه ام بیرون آمده بودم. بله، من ایران را خانه می نامم چون بدون توجه به اینکه من چند سال در فرانسه زندگی کرده ام، و برخلاف این نکته که بعد از این همه سال خودم را فرانسوی می دانم، اما لفظ "خانه" فقط یک معنا دارد: ایران. گمان می کنم برای همه چنین است: خانه آنجایی است که در آن بدینا آمده و بزرگ شده باشی. این اهمیت ندارد که من چقدر عاشق پاریس و زیبایی هایش هستم، تهران با همه زشتی هایش در چشمان من و تا ابد "عروس" شهر های جهان است.

مسئله موقعیت جغرافیایی، بوی باران و همه چیزهایی است که می دانیم بی آنکه بدانیم چرا این چیزها را می دانیم. موضوع کوه البرز است که محافظ شهر من است. آن کوه کجاست؟ چه کسی از من محافظت می کند؟ موضوع بوی تحمل ناپذیر هوای آلوده است، بویی که برایم آشناست. موضوع این است که آبی آسمان همه جا یک رنگ نیست، همینطور نور خورشید که همه جا یکسان نیست. موضوع خواستن این است که بتوانم زیر آبی آسمان خودم قدم بزنم، خواستن این که تابش خورشید خودم، پشتم را نوازش کند. آن زمانی که به حرف های مرد گوش می دادم چهار سال از زمانی که از خانه آمده بودم می گذشت. امروز ده سال دیگر گذشته است. اگر بخواهم دقیق بگویم، ده سال و شش ماه و سه روز. در تمام آن سال ها گمان می کردم که بدون اینکه بتوانم در کوهستانم قدم بزنم، چند دهه زندگی کنم. اما 18 روز پیش، در روز 12 ژوئن سال 2009 اتفاقی افتاد، اتفاقی که هرگز فکرش را نمی کردم در زندگی شاهدش باشم: ایرانیان به فضای بسیار کوچکی که از دموکراسی برایشان باقی مانده بود، فضایی که فقط قادر بودند به کاندیدایی که شورای نگهبان برایشان تعیین کرده بود هجوم ببرند و رای بدهند.

سوالاتی که رسانه ها قبل از انتخابات می پرسید این بود: «آیا ایرانیان آماده دموکراسی هستند؟» پاسخ بلند و واضح آمد: «بله، هستند!» با حضور 85 درصدی رای دهندگان، آنها به این رویا فرو رفتند که تغییر امکانپذیر است. آنها باور کردند که: «بله، ما می توانیم». لزومی ندارد که گفته شود که این اولین بار هم نیست که ایرانیان نشان دادند که تا چه اندازه عاشق آزادی هستند. به قرن بیستم نگاهی بیاندازید: آنها انقلاب مشروطه را در سال 1906 (برای اولین بار در آسیا) برآوردند، صنعت نفت را در سال 1951، ملی کردند (اولین کشور در خاورمیانه)، در سال 1979 انقلاب کردند و در سال 1999 جنبش دانشجویی آغاز شد. و حالا فریاد کرکننده دموکراسی آغاز شده است.

در حدود بیست سال پیش، زمانی که هنر را در دانشگاه تهران آغاز کردم، موضوع سیاست آنقدر ترسناک بود که ما حتی جرات فکر کردن به آن را نداشتیم. حرف زدن درباره سیاست؟ تصورش را هم نکن! تظاهرات علیه رئیس جمهور در خیابان، و رای حقیقت! انتقاد از رهبر؟ آخرالزمان! فریاد "مرگ بر خامنه ای" سر دادن؟ مرگ! مرگ، شکنجه و زندان بخشی از زندگی هر جوان ایرانی است. آنها مثل ما نیستند، دوستان من و من در زمانی که همسن آنان بودم؛ آنها نمی ترسند. آنها مثل آن زمان ما نیستند. آنها دستانشان را بالا می برند و می فریاد می زنند: «نترسیم، نترسیم، ما همه با هم هستیم!» آنها فهمیده اند که هیچ کس حقشان را به آنها نمی دهد و خودشان باید حقشان را بگیرند. آنها برخلاف نسل قبل از خودشان نسل من که آرزویش ترک کردن ایران بود- رویای واقعی رفتن از ایران نیست بلکه مبارزه برای آن است، آزاد کردن آن است عشق ورزشین و دوباره ساختن آن است. آنها دستان همدیگر را می گیرند و فریاد می زنند: «می جنگیم! می میریم! ذلت نمی پذیریم!» آنها با وجود اینکه می دانند شرکت در تظاهرات مواجه شدن با مرگ است، از خانه بیرون می روند.

امروز در جایی خواندم که "انقلاب مخملی" تبدیل به "کودتای مخملی" شده است، که رگه هایی از طنز در آن بود. اما بگذارید چیزی را بگویم: این نسل، با امیدهایش، رویا هایش، خشم و شورش، برای همیشه روند تاریخ را تغییر داد. دیگر هیچ چیز مثل گذشته نخواهد ماند. از این به بعد، هیچ کس ایرانیان را با رئیس جمهور منتخبش نمی سنجد. از این به بعد، ایرانیان ترسی

ندارند. آنها اعتماد به نفس خود را باز یافته اند. آنها با وجود همه خطرات فریاد می زنند نه! و من می دانم که این تازه آغاز راه است. از این به بعد، من همواره خواهم گفت: «زمانی که سرزمینت را ترک کردی فرقی ندارد که کجا زندگی می کنی. اما من تنها برای مردن به ایران می روم. من یک روز برای زندگی کردن به ایران می روم و گرنه زندگی ام بی معنا خواهد بود.»

ما و سید علی آقا

علی رضا نوری زاده

نه رفیق، برادر، هموطن، هم قلم، نه دیگر نباید در پرده سخن بگوئی. دیگر استفاده از تمثیل ممنوع است. عزیز شاعر! گذشت آن زمانی که از شب و جنگل و گل سرخ، برای ترسیم استبداد و اشاره به چریک با D8ی و ذکر جمیل یار به خون خفته خسرو استفاده می کردی. حالا دیگر با جوانانی که با گلوله عساکر سید علی آقای پائین خیابانی در خون نشستند، با تصویر ندا بر کف خیابان و آن نگاه ثانیهای که حتی قلب باراک حسین اوباما را لرزاند، اگر نام جناب معاویه بن جوادالحسینی را به صراحت ذکر نکنی، یک نام خواهی داشت، ترسو اگر نگویم سازشکار... رم آور خواهد بود وقتی در چهارسوی وطن روز و شب شعار C 8 را که من آن هفته نوشتم و برای ساکنان خانه پدرو فرستادم و یکشنبه بدل به شعار ملی شد، بر زبان می آورند که «رهبر ما قاتله / ولایتش باطله»، به نعل و به میخ زدن و از آسمان و زمین سخن به میان آوردن که مثلاً بگوئی این لایب امام زمان و ولی نماینده قاطبه اهالی کوچه آدمخواران آن موجود مامانی مهربان سابق نیست و انتظار نداشتی لباس سرخ غضب بپوشد، تعبیری به جز ترسو بودن و ماست مالی کردن ندارد. D8 یزیده قرن است شیعه علی در حکایتی که هم چون همه قصه ها، یک عده آدم بد و معدودی قهرمان خوب دارد معاویه پسر سفیان را که از کاتبان وحی و صحابه پیامبر اسلام بوده در جایگاه سرکرده قوم الظالمین و جباران و مفسدین و فاسقین نشانده ایم و البته پسرش یزید نیز که هم نشان از پدر و هم از هند جگر خوار دارد، در مقام یک عرق خور قاتل دشمن خدا و رسول و اهل بیت که سر حسین علی را با خیزران می زده و پی 7 پی جام شراب را بالا می برده لعنت کرده و می کنیم.

اگر روایت روضه خوانهای بنام شهر را در نظر آوریم، از فلسفی واعظ گرفته تا این مردک بیمار اخیر المنبر «دانشمند» که در فواید خروس بودن منبرهای شنیدنی دارد و در تحقیق و تفحص به مدد امدادات غیبی تا آنجا رفته که برای بی اعتبار کردن خلیفه دوم یک اصل مسلم طبیعت و واقعیت پزشکی را تغییر داده و مدعی شده نطفه خلیفه دوم هنگام مستی پدرش و ح 8 دنض بودن دختر پدرش!! بسته شده (فکرش را بکنید ضد فرهنگ حاکم تا کجا رفته که زن در حال عادت ماهیانه را قادر به حمل دانسته، فقط برای اینکه بر عدم حلال زادگی خلیفه دوم نظر دهد) به این نتیجه می رسیم که یزید در طول سلطنتش هیچ کاری نداشته جز شرابخواری آنهم روزی سه چهار بشکه و زنی را که هم به طور مداوم و بدون استفاده از ویاگرا به صورت شبانه روزی و البته سر کربلانیان را بریدن، و بر لبان ت 9 بیرگوی حسین که سرش را در تبت طلا گذاشته اند، خیزران زدن.

لبته این جناب یزید نیز هم چون ابوی و جد بزرگوارش هم اهل شعر بوده و هم از موسیقی لذت بسیار می برده، در عصر او هنرمندان از هر نژاد و مذهب و فیلسوفان و حکما قدر می دیده و بر صدر می نشستند و صلوات های گران می گرفته اند به ویژه اگر از اهالی حزب تملق بوده و در نوشته ها و قصائد و تحلیل های خود همه گاه به نامی خلیفه مسلمین، انشین پیامبر و مقام معظم ولایت سخن آغاز می کردند. تصویری که از قصر یزید در دمشق در دست داریم، منظری است شبیه همین کاخ ریاست جمهوری که نواده کامکار او برادر بشار الاسد در آن اقامت دارد. بر پایه روایت روضه خوانهای ما که مثل شیخ علی اکبر ناطق نوری سی و چند سال پیش (بنده به مقام امروز ایشان اسانه ادب نمی کنم که حضرتش امروز با داشتن مجتمع های مسکونی ده بیست

طبقه و مفتاح تجارت با اس IDB ای میانه دیگر آن شیخ علی اکبر روضه خوان پنج تومانی را اصلاً به یاد نمی آورد) روی منبر به یاد کربلا چنان جست و خیزی می زنند و بر سر و روی می کوبند و از جنایات یزید ناله و نفرین سر می دهند که شنونده آگاه را به حیرت می اندازند که مگر این آخوند کلاش در دربار یزید یا صحرای کربلا بوده که اینگونه جزئیات را شرح می دهد. برای شنونده عامی بیسواد هم البته این نوع توصیف در بیست مورد قبول قرار می گیرد و مقداری ناله و اشک و بر سر و روی کوفتن را به همراه دارد. حداقل از اولین روضه خوانهای عصر عضدالدوله دیلمی یعنی هزار و اندی سال تا امروز مجلس یزید و حکایت خونین کربلا همچنان برپا و بر زبان است. اما آنچه در دو هفته اخیر در ایران رخ داده اگر اهالی منبر ذره ای شرافت داشته باشند فقط به ذکر مجلس یزید و صحنه کربلا بسنده نخواهند کرد. بلکه مجلس مقام معظم ولایت و خولی ها و اب D9 زیادها و شمرهای معاصر را نیز که به لطف تلویزیون و اینترنت و رادیو و مطبوعات، از گوشه و کنار آن باخبریم بالای منبر شرح خواهند داد. اجازه دهید نخست در مقام مقایسه صفات دو فرمانروای اموی و خاندانهای را ذکر و از ایجابیات و سلبیات هر یک یاد کنم. خلیفه مسلمین یزید بن معاویه، مطابق روایات آدمی بوده بذله گو، اهل شعر و موسیقی، دل بسته به زن و شراب، گشاده دست و گشاده روی، بلند همت و پا 3 مند دوستی ها، حساس و

عاطفی، علاقمند به عظمت بخشیدن به شامات و مرفه ساختن ساکنان قلمرو و خلافتش. در زمینه مذهب، اهل تظاهر به گونه ای که گاه مست لایعقل در نماز جمعه حاضر می شد ولی نماز و روزه اش ترک نمی شد. با آنکه حسین بن علی و برادر و برادرزادگان و فرزندان را کشت، در عزای حسینی اشک می ریخت و با رسیدن کاروان اسرا از کربلا دستور داد در حرمانه اش سه روز برای حسین سوگواری کنند و در مساجد دمشق نیز مرتبه برای عموزاده، حسین بن علی سر دهند. خیزران بر لب حسین می زد (بر پایه اقوال همه روضه خوانها) اما همزمان همسران و فرزندان ارشد امام سوم یعنی زین العابدین علی بن حسین را با احترام در دمشق استقبال می کرد و این آقا یعنی پسر معاویه بیش از هزار سال است جز لعنت و نفرین از شیعیان نشنیده و در

ذهن اغلب ما نماد کامل زشتی و جنایت و فساد... می‌باشد.

حالا برویم به خیابان= D 9 آذربایجان / پاستور، مجتمع عظیم خلافت و ریاست جمهوری. در شمال غربی این مجتمع قصر خلیفه دوران، نایب امام زمان، خاقان بن میرزا جواد، سلطان بن آن بیچاره سید فقیر پائین خیابانی تبریزی ملقب به حسینی خامنه‌ای، صاحب خاتم ولایت مطلقه، حاکم ابدمدت تا ظهور حضرت، امپراتور ملک پاسبان، صاحب آستان خورشید نشان، امام صبح و عصر و سلطان بر و بحر حضرت سید الانام السید علی الحسینی خامنه‌ای س D8 سلسله آل پائین خیابانی قرار دارد. در این قصر البته از شرابخواری خبری نیست. (حداقل در ظاهر، چون شنیده‌ام بعضی از چاکران دربار معدلت‌گستر در خلوت لبان دختر رز می‌کنند و جام در پی جام سر می‌کشند) اما در مقابل هم خلیفه و هم طبیب مخصوصش دکتر علی‌اکبر خان ولایتی رستم آبادی و حضرت محمدی گلپایگانی رئیس دیوان انطباعات مقام ولایت (دارای همسر انگلیسی) از سرسپردگان دولت «کوکنار»ند و به =D 8 ای مجالس شراب یزیدی، محافل آتش افیونی برپا می‌کنند. آقای ما هم اهل شعر است و گو اینکه فصاحت خلیفه المسلمین یزیدین معاویه را ندارد ولی به هر حال گهگاه رباعی و یا غزلی می‌سراید و نوکرانش به شنیدن آن فریاد بعبه و زهازه و احسنت سر می‌دهند. یزید اهل موسیقی بود، آقای ما هم قبل از آسیب دیدن دستشان چنگی به دو تار خراسانی می‌زد و دلبسته رباب و تار و آواز خوش مغنیان دوران طاغوت بود و 8 عدد از وصلت با قدرت خانم ولایت نیز پنهانی با شنیدن آواز خوانندگان موسیقی سنتی اشک می‌ریزد و ریتم لس آنجلسی نیز گهگاه در وجود حضرتش ریشه‌های خوش را ایجاد می‌کند. یزید به ساخت و ساز علاقمند بود، مقام ولایت نیز نه تنها به ساخت و ساز آن هم از نوع سوداورش در دار الخلافه و نیز مسقط الرأس ملوکانه یعنی مشهد علاقمند است بلکه میلیاردها دلار از بیت‌المال را جهت خانه و مجتمع مسکونی‌سازی د D8 جزیره خریداری شده در ونزوئلا و بازسازی جنوب لبنان و خانه‌سازی در نیکاراگوا و... صرف فرموده است. آقازاده بزرگشان آقا مصطفی نیز با سرمایه‌گذاری 400 میلیونی در افریقای جنوبی شهرک سازی کرده‌اند.

لطان اموی یزید، به ظواهر دین بسیار توجه داشت، جانشین نیم خراسانی او نیز نماز را اول وقت می‌خواند، سالی 8 بار در نماز جمعه ظاهر می‌شود، خطیب خوبی است و تصویر مار را بر دیوار چنان زیبا و رنگ 7 رنگ می‌کشد که ادیب لغت دانی چون پدر عروشان جناب آقای دکتر غلامعلی حداد عادل، به دیدن جمال مار مصور به قلم مقام ولایت مثل زلیخا به جای انار معرفت، انگشت حواله به تیغ تظاهر می‌برد. برخلاف یزید البته جانشین ایرانی او اهل فسق شبانه نیست و جز حلال شرعی، دل به لعبتی نیسته است. هر چند محققان در احوالات ایشان عقده‌دلبستگی حضرتش به قدرت خانم چنان است که مجالی باقی نگذاشته تا نظر =D 8 ده دیگری نبندد. اگر حاشیه تخت خلافت یزید را جمعی از خدا بی‌خبران و مداحان و سرسپردگان و فاسقان و فاجران گرفته بودند و عساکرش با داشتن حکم کشتن و بستن و شکنجه کردن از خلیفه الله، عرض و ناموس مردم را حرمت نمی‌نهادند، در روزگار جانشین قدر قدرت او نیز فاجران و فاسقانی از نوع اصغر حجازی، حسین تائب، احمد وحید، علی فلاحیان، سعید مرتضوی، قربان علی دری نجف‌آبادی ملقب به ماست‌بند، محم F محمدی ریشه‌ری، محمود احمدی‌نژاد، محمدعلی جعفری ملقب به عزیز دیوبنده، احمد خاتمی ملقب به گوریل، احمد جنتی ملقب به خولی، حسن فیروزآبادی مشهور به ابن زیاد و... در مجلس نایب امام زمان قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند. در جریان کودتای اخیر البته ولیعهد حضرت والا آقا مجتبی ملقب به عقیم نقش کارگردانی را عهده‌دار بودند و به علت توفیقی که به ظاهر نصیب ابوی مبارک و خاصه تراش ایشان محمود D8 حقه‌آر ادانی کردند رسماً لقب حجت‌الاسلام والمسلمین سید جانشین را از پدر «تاج عامه» دار خود دریافت کردند. شباهتها حقاً چشمگیر است، انسان حیرت می‌کند که چگونه انسانهایی با هزار و سیصد سال فاصله عین سببی (البته از گیل مناسبتر است) هستند که از میان قاچش کرده باشند. البته تفاوت‌های کم و بیشی در عملکرد و منش وجود دارد. مثلاً یزید به همه آنها که به او محبت کردند، کنارش ایستادند و پاری حق و حقیقت گذاشتند تا حضرت او راضی باشد، نهایت سخاوت، کرامت، بلند نظری و دوستی و مهربانی را نشان می‌داد اما سید علی آقای ما در این زمینه خیلی کم می‌آورد. مثلاً هاشمی رفسنجانی را که طی یک شعیب‌بازی شرم‌آور نخست زیر آب آقای منتظری را زد و بعد هم او را با نرم کردن احمد خمینی و وعده دروغین به او دادن (که این سید مریض است و به یکسال نمی‌کشد و شما را می‌آوریم و روی کرسی ولایت من 4 B انیم) به روی تخت ولایت نشاند. و در جریان درگیری‌اش با اصلاح‌طلبان و بعد قضیه 18 تیر، باز هم شیخ علی اکبر از سید علی آقا حمایت کرد و موقعیت متزلزلش را تثبیت کرد. در مقابل یزید زمان ما، نه حرمتی برای رفیق پنجاه ساله‌اش قائل شد و نه وقتی گرگ گرسنه آرادانی با توله‌هایش به جان شیخ افتاد و گوشت فرزندان را به دندان گرفت، فریادی زد و دادی کشید که هُش... بلکه حضرتش برای اینکه ثابت کند حکم ق D8 دل شیخ را خودش داده در خطبه نماز جمعه فرمود ما با ایشان اختلاف داریم و تحفه آرادانی به ما خیلی نزدیکتر است. یزید اگر قضات زمان را می‌خرید حداقل قضایایی بودند که اسم و رسمی داشتند و حکمشان در بلاد اسلام جاری بود. اما قضات مورد مرحمت یزید بن جواد از نوع مرتضوی و حداد و سید محمود هاشمی شاهرودی ملقب به بی‌عرضه و عباسعلی علی‌زاده فاسدند. یزید سردارانی مثل ابن زیاد و شمر بن ذی‌الجوش 8 6 داشت که در عین قساوت شجاعت هم داشتند. در میانشان نیز حر بن یزید ریاحی پیدا می‌شد که تیغ به روی اهل بیت نمی‌کشید. ابن زیاد سید علی آقا بشکه‌های 200 کیلویی است که به جز شکمش جایی را نمی‌بیند و شمرش هم از روی بام به قلب «ندا» گلوله می‌زند. خُر دستگاش هم مثل علی فضلای با یک توپ و نشر و فریاد جا می‌زند و به غلط کردن می‌افتد. یزید دومین خلیفه از سلسله‌ای بود که جوانمردانی چون عمر بن عبد= D 8 تعزیز هم در آن ظاهر شدند، سلسله سید علی آقا اما وارثانی از نوع مروان حمار دارد و پیداست که خلافت به آنها نخواهد رسید و یزید بن جواد در همین دو هفته اخیر، آینده سلسله‌اش را دود کرد و به هوا فرستاد. یزید خود را منتسب به خاندان نبوت و اهل بیت نمی‌کرد. همه می‌دانستند

کیست، جدش که بوده و خاندانش را تا هفت پشت اهالی ولایت اسلام می‌شناختند. سید ما اما به جواد ختم می‌شود و با خودش پایان خواهد گرفت

ضمیمه شماره ۷ روزنامه سبز دانستی ها

می دانید چرا شما را سرکوب می کنند؟

تهیه کنندگان:

دکتر بهزاد اکبرپور، مهندس اردوان عبدلی کلور، مهندس منصور رضایی، مهندس سیدمحسن خالقی (ستاد بنیان آزادی)

خرداد ماه 1388

دوستان، برای یادآوری بد نیست که بدانیم برای چه داریم به این سختی تلاش می کنیم. یادمون میمونه که ما هیجان زده نیستیم و میدونیم داریم چکار می کنیم و چه می خواهیم. آیا میدانید که اگر شخصی 200 سال عمر کند و همراه ده میلیون تومان خرج کند، در طی 200 سال به 24 میلیارد تومان نیاز خواهد داشت؟

آیا میدانید آقای احمدی نژاد 340 هزار میلیارد تومان را از درآمد های نفتی بر باد داده است؟ (بانک مرکزی - وزارت نفت - روزنامه سرمایه 17/12/87 و 06/03/88)

آیا میدانید که در طول تاریخ 4000 ساله ایران هیچوقت این ثروت برای ایران بوجود نیامده بود؟

آیا میدانید که در جنگ 8 ساله؛ سالانه بطور متوسط 125 میلیارد دلار خسارت به کشور وارد شد، اما عملکرد احمدی نژاد باعث شد سالانه 188 میلیارد دلار خسارت به کشور زده شود؟ (جدول متن ثروت های ملی بر باد رفته در همین مطالب عملکرد اقتصادی)

آیا میدانید خسارت دولت احمدی نژاد در اقتصاد، حدود 75 درصد جنگ 8 ساله با صدام بوده و خسارت های اجتماعی، علمی و معنوی و فرهنگی و سیاسی آن قابل محاسبه نیست؟ (جدول متن ثروت های ملی بر باد رفته در همین مطالب عملکرد اقتصادی)

آیا میدانید که دولت احمدی نژاد گاز را از کشور ترکمنستان 350 دلار در هر هزار متر مکعب می خرد و به ترکیه 200 دلار می فروشد؟ و آیا میدانید که پیشنهاد ترکمنستان 140 دلار بود، اما پس از طولانی شدن مذاکرات، نهایتاً قرارداد 350 دلاری منعقد شد؟ (روزنامه سرمایه 14/10/87)

آیا میدانید که 44 درصد درآمد های نفت، گاز و پتروشیمی کشور در پس از انقلاب، در طی دوره 4 ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد اتفاق افتاده است؟ (وزارت نفت - بانک مرکزی - روزنامه سرمایه 17/02 و 06/03/88)

آیا میدانید که خسارت اقتصادی احمدی نژاد آنقدر زیاد است که به هر خانواده ایرانی بیش از 5/1 کیلوگرم طلا می رسد؟ (مقاله فرصت سوزی ها و خسارات اقتصادی احمدی نژاد)

آیا میدانید که لایحه چند همسری را دولت احمدی نژاد به مجلس تقدیم کرده بود تا بصورت قانون درآید؟ (سایت مجلس)

آیا میدانید که ساخت پالایشگاه های نفت در دولت احمدی نژاد، سالانه 5/1 درصد پیشرفت داشته و با این حساب 67 سال طول می کشد تا ساخته شوند؟ (روزنامه سرمایه 14/02/88)

آیا میدانید که مهندس میر حسین موسوی در زمان جنگ از محل صرفه جویی برنج یارانه ای، پالایشگاه آبادان را در طی 98 روز به بهره برداری رساند؟ (سایت کلمه)

آیا میدانید که دارندگان سهام عدالت بابت قسط های دو سال 86 و 87 حدود 200 هزار تومان به دولت بدهکارند، اما دولت برای جمع آوری رای، 80 هزار تومان سود آنها را پرداخت می کند و پس از به قدرت رسیدن، اقساط را دریافت خواهد کرد؟ (روزنامه سرمایه یکی از شماره های اردیبهشت)

آیا میدانید به علت اینکه شرکت های زبان ده را به شرکت های سهام عدالت داده اند، سهام عدالت فاقد سود بوده، اما دولت برای عوامفریبی سودی پرداخت می کند؟ (روزنامه سرمایه یکی از شماره های اردیبهشت)

آیا میدانید که در بازارهای خرید و فروش سهام، سهام عدالت پانصد هزار تومانی را حتی به 500 تومان نمی خردند؟ (بروید امتحان کنید)

آیا میدانید که گرانی لجام گسیخته در جامعه، که نتیجه سیاست های اقتصادی احمدی نژاد است باعث شده، ارزش حقوق 700 هزار تومانی امروز مانند حقوق 200 هزار تومانی سال 84 باشد؟

آیا میدانید طبق آمار بانک جهانی، فساد در دستگاههای دولتی ایران در طی 4 سال دولت احمدی نژاد 65 رتبه اضافه شده و به 141 در بین 194 کشور دنیا رسیده است؟ (صندوق بین المللی پول - روزنامه سرمایه 06/02/88)

آیا میدانید که اعتبار گذرنامه ایرانی در بین 194 کشور جهان به رتبه 193 رسیده و فقط یک کشور وضع بدتری نسبت به ما دارد؟ (صندوق بین المللی پول – روزنامه سرمایه 06/02/88)

آیا میدانید عملکرد احمدینژاد در بانک های کشور، آنها را به پرتگاه ورشکستگی کشانده و آیا میدانید که ورشکستگی بانکها در هر کشوری از خطر جنگ بالاتر است؟ (دنیای اقتصاد

03/12/87 و روزنامه سرمایه 06/02/88)

آیا میدانید که امارات و قطر از میدان های گازی مشترک سالانه بیش از 12 هزار میلیارد تومان گاز بیشتر برداشت می کنند و عدم سرمایه گذاری ایران در دولت نهم منجر به این شده که

همسایگان شمالی و جنوبی منابع و ثروت مردم ایران را به یغما ببرند و همچنین اهمیت این موضوع کمتر از واگذاری خاک ایران به بیگانگان نیست؟ (وزارت نفت – روزنامه سرمایه 21/02/88 و

10/02/88)

آیا میدانید عملکرد تنش زای سیاست خارجی احمدینژاد باعث شده :

1- کالاهای وارداتی 42 هزار میلیارد تومان گران خریداری شود .

2- تحریمهای بین المللی امکان تکمیل طرح های نفت و گاز و پتروشیمی و سایر صنایع را غیر ممکن می سازد .

3- باجهای فراوانی در نفت و گاز و انرژی اتمی و حتی در زمینه حقوق ایران در دریای خزر به روسیه داده شود .

4- امکان انتخاب ایران برای عقد قرارداد با شرکت های معتبر و مهم نفت و گاز دنیا از دست برود و بجای آن شرکت های دست چنم چینی و روسی و حتی ویتنامی و اندونزیایی با

تکنولوژی عقب افتاده جایگزین آنها شود.

5- طرح ها و کارخانه های جدید ایجاد نشود و مسیر رشد و توسعه کشور بسته شود .

6- و صدها فرصت ثروت و درآمد و میلیون ها شغل از دست برود؟ (بانک مرکزی – بانک جهانی – روزنامه سرمایه 02/03/88)

آیا میدانید سیاست خارجی احمدینژاد با کشور هایی در ارتباط است (جزایر قمر) که دولت آنها حتی پول بلیط هواپیما ندارد و با خرج ایران به کشور ما می آیند؟

آیا میدانید احمدینژاد در سفر به کنیا (کشور آفریقایی) پیشنهاد داده که ایران حاضر است نفت را با 30 درصد تخفیف بفروشد؟ (اكو نوميسٲ شماره های مربوط به اسفند ماه 87)

آیا میدانید یک رئیس جمهور در دنیا به عنوان دکور و نماد یک ملت و کشور مطرح است و لحن صحبت و برخوردهای آقای احمدینژاد باعث شده نگاه جهانی به ایران، یک نگاه منفی و

نامناسب باشد؟

آیا میدانید که بسیاری از کارخانه هایی که احمدینژاد در دو سال اول ریاست جمهوری خود افتتاح کرد بین 63 تا 95 درصد آنها در زمان خاتمی ساخته شده بودند؟ (روزنامه سرمایه

29/02/88)

آیا میدانید پروژه ماهواره ایرانی امید در دولت های قبلی شروع شده بود و عمده کار آن را دولت خاتمی انجام داده بود؟

آیا میدانید که تعدادی از پروژه ها و طرح ها و کارخانه ها در زمان خاتمی به بهره برداری رسیده و آن زمان افتتاح شده بود ، اما وزرای احمدینژاد دوباره آنها را افتتاح می کنند؟ (روزنامه

سرمایه 29/02/88)

آیا میدانید که دولت احمدینژاد شروع حفاری و ساخت تونل البرز را در راه آهن اصفهان – شیراز با نشان دادن تونل دیگری، به عنوان اتمام و بهره برداری به ملت گزارش داد و ملت را

فریفت؟ (اعتماد 10/02/88)

آیا میدانید که صدا و سیما عملکرد کوچک احمدینژاد را بسیار بزرگ جلوه داده و بارها برای آن تبلیغ راه می اندازد، اما عملکرد دولت خاتمی را گزارش نمی کرد؟

آیا میدانید که در دولت خاتمی راه آهن بافق – مشهد به طول 1000 کیلومتر سه ساله ساخته شد، اما در دولت احمدینژاد سالانه کمتر از 50 کیلومتر راه آهن ساخته شده است؟ (اعتماد

10/02/88)

آیا میدانید هزاران میلیارد تومان از درآمد های نفتی به خزانه واریز نشده و مشخص نیست که چه شده است؟ (روزنامه سرمایه 01/02/88 و دیوان محاسبات) آیا میدانید که برای صادرات

میوه ایران، هواپیمایی عوارض سنگینی می گیرد، اما برای واردات میوه عوارض پایین؛ و نتیجه این امر آن شده که میوه های خارجی باعث ورشکستگی باغداران و کشاورزان شود؟

(روزنامه سرمایه 14/02 و 29/01/88)

آیا میدانید که در دولت خاتمی ایران به خودکفایی گندم رسید اما با سیاست های دولت احمدینژاد، سال 1387 با 5 میلیون تن واردات یکی از بزرگترین وارد کنندگان گندم جهان شده ایم؟

(روزنامه سرمایه 14/02 و 29/01/88)

آیا میدانید که در دولت احمدینژاد در طی حدوداً چهار سال فقط 2100 واحد مسکن مهر ساخته شده (یعنی سالانه 525 واحد) و با این روند برای رفع مشکل مسکن مردم و جوانان بیش از ده

هزار سال زمان لازم است، این در حالی است که تاریخ ایران از زمان هخامنشیان تا به حال 2500 سال بیشتر نیست؟

سایت مسکن مهر - وبلاگ مهندس عبدالعلی زاده - و یکی از شماره های اردیبهشت روزنامه سرمایه)

آیا میدانید به اعتراف مسئولان دولت و نظر کارشناسان طرح هایی مانند مسکن مهر، بنگاههای زود بازده، اشتغال سریع و سهام عدالت همگی طرح های شکست خورده اند و تقریباً هیچ نفعی

برای ملت نداشته و دولت با تبلیغات فراوان از طریق تلویزیون و رادیو توانسته نظر مردم را جلب کند؟ (روزنامه سرمایه 28/02/88)

آیا میدانید در معاونت برنامه ریزی و نظارت رئیس جمهور با راه اندازی دوره های چند ماهه به تعدادی از همکاران دولتی، مدرک فوق لیسانس داده می شود. این در حالی است که در

دانشگاهها برای گرفتن مدرک فوق لیسانس بایستی حدود دو سال وقت صرف کرد؟ (روزنامه سرمایه 20/02/88)

آیا میدانید که صدها میلیارد برای راه اندازی گشت های ارشاد توسط احمدینژاد اختصاص داده شده، این در حالی است که احمدینژاد قبل از ریاست جمهوری خود حجاب زنان و دختران و تیپ

پسران را مشکل نمی دانست؟ (قانون بودجه 86 و 87)

آیا میدانید که ایران از نظر تورم و گرانی چهارمین کشور دنیاست؟ (بانک جهانی - روزنامه سرمایه 17/02/88)

آیا میدانید با ثروتی که احمدینژاد بر باد داد و فرصت سوزی هایی که کرد، می شد:

1- همه ایرانیان دارای شغلی با حقوق مناسب بشوند.

2- هیچ کس بی خانه نباشد و همه خانه دار شوند.

3- بیش از نصف مناطق خشک و صحرایی ایران را باغ و جنگل و مزرعه کرد.

4- درآمد هر خانواده ایرانی را در سال به بیش از 40 میلیون تومان رساند.

5- ایران را برای همیشه از فقر و بی کاری و عقب ماندگی نجات داد.

(تحلیل مربوط به مطالب با ثروتی که احمدینژاد بر باد داد چه کارهایی ممکن بود؟)

آیا میدانید که در دولت احمدینژاد علی رغم اینکه درآمدهای سالانه 4 برابر درآمد سالانه خاتمی بود، بودجه تحقیقات علمی 5/4 برابر کاهش یافته است؟ (قانون بودجه 86 و 87)

آیا میدانید در هر جامعه ای هر چه تحقیقات علمی بیشتر باشد، ثروت و درآمد مردم آن کشور نیز بیشتر می شود؟ مثلاً 26 درصد تحقیقات علمی دنیا در آمریکا انجام می شود و حدود 27

درصد از ثروت تولیدی سالانه در جهان متعلق به آمریکاست. (بانک جهانی - گزارش سازمان ملل متحد)

آیا میدانید که دولت احمدینژاد استادان توانمند و نامدار و با تجربه را در دانشگاهها باز نشسته می کند؟ (اخبار مختلف چند سال اخیر)

آیا میدانید سازمان مدیریت و برنامه ریزی در هر کشوری، مغز برنامه ریزی برای پیشرفت آن کشور است، و آقای احمدینژاد آن سازمان را منحل کرد؟

آیا میدانید دولت احمدینژاد با کنار گذاشتن برنامه توسعه چهارم، که بسیار برنامه پیشرفته و علمی بود، امکان ایجاد 560 هزار میلیارد تومان درآمد برای کشور و مردم را از بین برد؟ (برنامه

توسعه چهارم)

آیا میدانید بر اساس گزارش رسمی دیوان محاسبات کشور (وابسته به مجلس همفکر دولت) در بودجه سال 1386، 54 درصد تخلف توسط دولت احمدینژاد صورت گرفته و رقم تخلفات در آن

سال به 66 هزار میلیارد تومان می رسد؟ (گزارش دیوان محاسبات مجلس - روزنامه سرمایه 24/01/88)

آیا میدانید که در بودجه سال 1385 دولت 2000 مورد تخلف داشته است و عمده این تخلفات مربوط به وزارت نفت بوده، یعنی پولدارترین وزارتخانه؟ (گزارش دیوان محاسبات مجلس -

روزنامه سرمایه 24/01/88 و 23/11/87 و 21/11/87)

آیا میدانید به هنگام قرانت گزارش دیوان محاسبات در مورد تخلفات دولت، در مجلس، به علت کثرت تخلفات انجام شده تعدادی از طرفداران احمدینژاد سعی در جلوگیری از خواندن تخلفات

می کردند؟ (روزنامه سرمایه 19/12/87)

آیا میدانید که دولت احمدینژاد بخشی از بودجه عمرانی را صرف کارهایی مانند ساخت باشگاه ورزشی و امثال آن کرد تا رای جوانان را برای مرحله دوم ریاست جمهوری خود جذب کند؟

(روزنامه سرمایه 010/02/88 - گزارش دیوان محاسبات مجلس)

آیا میدانید دولت بودجه وزارتخانه های خود را حد اقل 80 درصد افزایش داده اما بودجه سازمان هایی مثل بازرسی، مجلس و غیره را که گزارش تخلفات دولت را داده اند حدوداً 50 درصد

کاهش داده است؟ (روزنامه سرمایه 19/12 و 21/11/87)

آیا میدانید بر اساس گزارش دیوان محاسبات مجلس، یعنی اصلی ترین و رسمی ترین نهاد نظارتی کشور، دولت احمدینژاد متخلف ترین دولت ایرانی در زمینه بودجه، از نظر تعداد و مبلغ بوده

و روزانه 7 تخلف بودجه ای در دولت صورت گرفته است؟ (گزارش دیوان محاسبات مجلس - روزنامه سرمایه 1/02/88)

آیا میدانید در دولت احمدی‌نژاد بیش از 2000 میلیارد تومان شکر وارد کشور شد و این مقدار شکر برای 10 سال مصرف ایران کفایت می‌کرد، و باعث تعطیلی کارخانجات شکر و بیکاری صدها هزار نفر کشاورز چغندر کار و کارگران کارخانجات شده است؟ (روزنامه سرمایه 05/02/88)

آیا میدانید که همین دولت از پرداخت فقط 45 میلیارد تومان به چغندرکاران که ده‌ها هزار خانواده زحمتکش و فقیر هستند، خودداری کرد؟ (روزنامه سرمایه 05/02/88)

آیا میدانید در همین مدت چند ماه اخیر بیش از 200 دانشجو بخاطر اظهار نظر و عقیده در دانشگاه‌ها توسط دولت نهم اخراج شده‌اند؟ (اندیشه نو 24/02/88)

آیا میدانید که اتحادیه اروپا که بیش از 30 کشور ثروتمند می‌باشد، به پاکستان 640 میلیون دلار، اما دولت احمدی‌نژاد به تنهایی 330 میلیون دلار کمک می‌کند؟ (روزنامه سرمایه 29/01/88)

آیا میدانید که مدیران شرکت‌ها، کارخانجات، بانک‌ها و سازمان‌های پولدار در آستانه انتخابات ریاست جمهوری توسط دولت احمدی‌نژاد عوض شده‌اند؟ (روزنامه‌های مختلف فروردین و اردیبهشت)

آیا میدانید قول احمدی‌نژاد در شهریار، برای هر نفر ایرانی ماهانه هفتاد هزار تومان، واقعی نبوده و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس طرفدار دولت نیز گفته و عده احمدی‌نژاد را باور نکنید، درست نیست؟ (روزنامه سرمایه 14/02 و 08/02/88)

آیا میدانید طرفداران قبلی احمدی‌نژاد اکثراً از ایشان رویگردان شده و انتقادهای شدیدی از وی می‌کنند. مثلاً یکی از مطرح‌ترین آنها گفته "باید از آقای احمدی‌نژاد پرسید که آیا در صندوق ذخیره ارزی باز بود یا نه صندوق سوراخ بود که همه دلارهای نفتی پرید"؟ (اعتماد 17/02/88)

آیا میدانید رشد سرمایه‌گذاری صنعتی از 86 درصد مثبت در سال 1383 به 16 درصد منفی در سال 1387 رسیده است یعنی 102 درصد کاهش یافته؟ (روزنامه سرمایه 17/02/88)

آیا میدانید عملکرد احمدی‌نژاد باعث شده که بیش از 80 درصد مردم زیر خط فقر زندگی کنند؟

آیا میدانید که حوادث حین کار کارگران در سال‌های اخیر افزایش داشته و مورد آخر آن مرگ 12 کارگر معدن کار کرمانی در معدن باب نیزو در اول اردیبهشت بوده است؟ (روزنامه سرمایه 05/02/88)

آیا میدانید که در سفرهای استانی احمدی‌نژاد، دانش‌آموزان را از شهرهای مختلف برای استقبال از ایشان می‌بردند و در سفر به استان فارس، هفت دانش‌آموز که از فسا به شیراز برده می‌شدند، در تصادف کشته و مجروح شدند؟

آیا میدانید که با ثروت و اعتباری که دولت احمدی‌نژاد از بین برد، حداقل امکان 25 میلیون اشتغال وجود داشت. یعنی نه تنها هیچ بیکاری وجود نداشت، بلکه چند میلیون نفر خارجی نیز بایستی در ایران کار می‌کردند؟ (روزنامه سرمایه 10/02/88)

آیا میدانید خبر مهمی که در شلوغی دوران انتخابات اتفاق افتاد و متأسفانه خوب به آگاهی مردم نرسید تسخیر بانک سرمایه توسط احمدی‌نژاد بود؟ احمدی‌نژاد پس از تخریب بانک پارسیان به عنوان بزرگترین بانک خصوصی از نظر سهامدار پس از کش و قوس فراوان با حسینی هاشمی (مدیرعامل سابق بانک سرمایه) از مدیران سابق بانک توانست اصغر ابوالحسنی را که از دوستان وی به شمار می‌رود به مدیرعاملی بانک سرمایه منصوب کند.

از سوابق ابوالحسنی که فارغ‌التحصیل دانشگاه امام صادق و از همفکران قدیمی احمدی‌نژاد و علی احمدی (وزیر آموزش و پرورش فعلی و رییس کل دانشگاه پیام‌نور سابق) است می‌توان به مهمترین پست اجرایی او یعنی قائم مقامی و معاونت مالی و اداری و آموزش و سنجش کل دانشگاه پیام‌نور اشاره کرد.

ابوالحسنی در اولین اقدام تئو چند از مدیران بانک سرمایه را از کار برکنار کرده است. دستیابی طیف احمدی‌نژاد به این ارگان مالی زنگ خطر بزرگی برای سهامداران خرد و سپرده‌گذاران این بانک محسوب می‌شود که توصیه شده است مردم سریعاً منابع مالی خود را از این بانک خارج نمایند.

آیا می‌دانید سپاه برای این منافع کودتا کردند؟ 3 موسسه مالی اعتباری "قوامین" (وابسته به نیروی انتظامی) "مهر" (بسیجیان سابق وابسته به سپاه پاسداران) و "انصار" (وابسته به بیت رهبری) به عنوان سه نهاد قدرتمند اقتصادی دارای توان مالی بسیار بالایی هستند که به دلیل عدم تمایل برای تبدیل شدن به بانک و پیروی از قوانین بانک مرکزی در طول سال‌های گذشته توانسته‌اند منابع مالی بسیاری را گردآوری کرده و شرکت‌های بسیاری را با کمترین قیمت‌ها خریداری کنند.

بانک سینا نیز که موسسه مالی اعتباری بنیاد بود و وابسته به بنیاد مستضعفان (زیر نظر سرلشکر فیروزآبادی) است و از غول‌های بزرگ اقتصادی است که به همراه سه موسسه ذکر شده نقش بسیار زیادی در از بین بردن توان اقتصادی بانک‌های دولتی و خصوصی و همچنین صنایع بزرگ کشور داشته‌اند. بدیهی است هر گونه سپرده‌گذاری در این موسسات توسط مردم کمک

مستقیم به سران سپاه و نیروی انتظامی برای افزایش قدرت مالی و اقتصادی است